

# وعده‌های دروغ انتخاباتی قاتل دمکراسی است

وعده‌های دروغ در جریان مبارزات انتخاباتی که هر روز رواج بیشتر پیدا می‌کند ابراز عدم رضایت کرده و آن را قاتل «دمکراسی اصیل» دانسته است. گفته است که اگر قدرت داشت برای کسانی که در جریان مبارزات انتخاباتی با دروغ‌ها و وعده‌های ارزان، رأی دهندگان را می‌فریبند و مسیر دمکراسی اصیل را تغییر می‌دهند کیفرخواست می‌نوشت و آنها را به دادگاه می‌فرستاد و توصیه می‌کرد که قوانین جامع‌تری در این زمینه وضع شود و ضمیمه قوانین کیفری شود.

«ویر» راه ترقی یک جامعه را به کارگیری هرچه بیشتر افراد حرفه‌ای باتجربه و وفادار می‌داند و می‌گفت که اگر امنیت کافی در یک جامعه نباشد، مشارکت در دمکراسی و شکوفایی آن واقعی نخواهد بود.

او همچنین تأکید می‌کرد که اگر در یک جامعه عدالت اجتماعی وجود نداشته باشد، دادن رأی، توده رأی‌دهنده را راضی نمی‌سازد، زیرا تغییری را در اوضاع پیش‌بینی نمی‌کند و هرچیز را هدر رفته می‌پندارد.

به عقیده «ویر» بوروکراسی بد و پیچیده به فساد می‌گراید و هرچه را که جامعه از پیشرفت به دست آورد بر باد می‌دهد و مانند مار بوآ (پی‌تون) با فشار خود، کمر

ما اخبار انتخابات ریاست جمهوری آمریکا را با دقت پی‌گیری می‌کنیم، زیرا نتیجه این انتخابات بر سیاست خارجی آمریکا و مواضعش در قبال ایران اثر همه‌جانبه دارد. انتخابات ریاست جمهوری آمریکا مشخصاتی دارد که دادن وعده‌های بزرگ از سوی کاندیداها یکی از بارزترین آنها است. علاوه بر این، ما انتخابات ریاست جمهوری کشورمان را پیش‌رو داریم (خرداد سال ۸۰ - هشت ماه دیگر)

و سرانجام، کشور ما از وجود یک دیوانسالاری حجیم، ناکارآ و زحمت‌افزارنج می‌کشد. «ماکس ویر» راجع به هر سه مقوله فوق‌نظریاتی دارد که بسیار قابل تأمل است، به ویژه آن‌که درستی آنها در عمل هم تجربه شده است. فشرده این نظریات را پس از معرفی مختصری از زندگی و عقاید «ویر» می‌خوانیم.

(پایان جنگ اول) نخستین متفکری بود که اعلام کرد تحقیر آلمان به صلح خدمت نخواهد کرد و یک ملت تحقیر شده سرانجام از ظلمت طولانی شب قطبی بیرون خواهد آمد و برای گرفتن انتقام قیام می‌کند.

«ویر» بوروکراسی (دیوانسالاری) مدرن و کاپیتالیسم را لازم و ملزوم هم می‌داند و اعمال قاطعیت کامل در بوروکراسی را می‌پذیرد و معتقد است که بوروکراسی (ادارات، مقام‌ها و سلسله مراتب اداری) یک کشور نباید بیشتر از حدگسترش یابد و یا این‌که ناکافی باشد، زیرا هر دو حالت خطرناک است. وی از عوام‌فهریبی و

«ماکس ویر»، متفکر جامعه‌شناسی و صاحب نظریه «رابطه سرمایه‌داری، دیوانسالاری و دمکراسی» در سال ۱۸۶۴ به دنیا آمد و تا ۱۹۲۰ عمر کرد. وی بزرگ‌ترین جامعه‌شناس آلمانی، که به ارتقای سطح علوم اجتماعی خدمت بسیار کرده، شناخته شده است.

وی پس از یک رشته بررسی‌ها به این نتیجه رسید که پروتستانیتیزم Protestantism اولیه به پیدایش کاپیتالیسم جدید کمک کرده است. افکار او درباره دمکراسی، بر رفتارهای چپ مترقی و رادیکال هم اثرگذار بوده است. وی پس از امضای قرارداد صلح ورسای

INTERNATIONAL COURIER SERVICE

شرکت حمل و نقل بین‌المللی آرامکس



با پنزده سال سابقه در خنایان  
حمل و نقل بین‌المللی هوایی در جهان

آرامکس  
ARAMEX  
It's A Small World

آدرس: خیابان فلسطین، پایین تر از میدان فلسطین، شماره ۱۵۱

تلفن: ۰۳۹۴۰۶۴، ۱۴-۶۴۹۳۹۱۳ فاکس: ۶۴۰۴۳۹۶ صندوق پستی: ۱۱۹۱-۱۴۱۵۵ تهران - ایران

151, Felestin Ave., P.O.Box: 14155 - 1191 Tehran - IRAN, Tel: 6493913-14, 6403940 Fax: 6404396 E.MAIL: ARAMEX @ W W W.DCI. CO.IR

پیشرفت را می‌شکنند.

به همان‌گونه که «مارکس» عقیده بر تضاد و جنگ طبقاتی داشت، «وبر» این تضاد و مبارزه را میان ارزش‌ها و منافع مادی می‌دید که تا پیروزی یکی از این دو ادامه خواهد داشت.

«وبر» با این‌که بیش از سه سال از عمر نظام بلشویکی روسیه را ندید، معه‌ذا پیش‌بینی کرد که این حکومت سرانجام قربانی بوروکراسی خود، که هر روز پیچیده‌تر، و دست و پاگیر مردم، و مانع کارآیی تولیدکنندگان می‌شود، خواهد شد. وی در عین حال بوروکراسی کارآمد و خوب را وسیله جلوگیری از انقلاب در جامعه خواند، زیرا که مدیریت خوب بر عده ناراضیان اضافه نمی‌کند. وی بر تهذیب اخلاقی و احساس مسئولیت کردن انتخاب‌شوندگان تأکید فراوان داشت.

«وبر» به رهبران هر انقلاب توصیه کرده است که مراقب بوروکراسی کشور باشند زیرا اگر از کنترل خارج شود ممکن است به دگرگونی و شکست بینجامد، زیرا بر عده ناراضیان و مایوسان می‌افزاید و یأس و ناامیدی نیز بزرگ‌ترین دشمن یک انقلاب است. به علاوه مردم مایوس، نسبت به دموکراسی و مشارکت در آن بی‌اعتنا می‌شوند و راه برای روی کار آمدن گروهی جاه‌طلب و آزمند هموار می‌شود.

### نکته‌ای درباره کاندیداها

توده رأی‌دهندگان در کشورهای مختلف با نظام‌های متفاوت همیشه با مسأله بغرنجی که همان شناخت واقعی از رأی‌دهندگان است، مواجه بوده‌اند و هستند. «وبر» در این مورد نظریه خاص و قابل توجهی ارائه نکرده، اما دو قرن است که اندیشمندان در جست‌وجوی بهترین و مطمئن‌ترین راه برای تعیین نامزدهای انتخابات عمومی هستند تا «بهترین»‌های جامعه به وکالت مردم و مدیریت‌ها برگزیده شوند، ولی ظاهراً به جایی نرسیده‌اند. هنوز دسته‌ای از نامزد شدن آزاد،

گروهی از نامزدهای حزبی و آزاد - توأمأ - و جمعی نیز صرفاً از نامزدهای حزبی، حتی یک حزب در یک کشور، حمایت می‌کنند و بحث در این زمینه به نتیجه قطعی نرسیده است که ملاک و معیار قرار گیرد.

در کشورهای کمونیستی، استدلال می‌شد که فقط حزب است که می‌تواند بهترین افراد را کشف و به عنوان نامزد به مردم معرفی کند و مردم از میان نامزدهای معرفی شده که همه آنها دارای شرایط تقریباً مساوی هستند، هر کدام را که مایل باشند، با دادن رأی برگزینند. این کشورها نقش پول و منافع مادی شخصی را که در انتخابات کشورهای غربی و مشابه نظام غرب به چشم می‌خورد و تاکنون داستان‌های عجیب و غریب به وجود آورده، بدترین فساد می‌دانستند.

هواداران هر سه نوع انتخابات به یک اندازه به اظهارات ارسطو احترام می‌گذارند که گفت: «سیاسی بودن» ودیعه‌ای است در نهاد بشر. بنابراین، «انسان» جاننداری سیاسی است و اگر در جامعه قانون و عدالت نباشد، ستمگران از هر حیوانی بدتر عمل خواهند کرد. بشر با شعور خلق شده که خوب و بد را تشخیص دهد و اگر اطلاعات [معلومات] داشته باشد آنها را تحلیل کند. با وجود این اگر دارای تقوی نباشد، عنصری خشن، سلطه‌گر و متجاوز خواهد بود.

چپ‌ها (سوسیال دموکرات‌ها، سوسیالیست‌ها و کمونیست‌ها) به اعتبار این گفته «ارسطو» استدلال می‌کنند که تعیین نامزدهای انتخاباتی از طرف حزب لازم است تا جاه‌طلبان و آزمندان «وکیل» مردم نشوند که لیبرال‌ها (عمدتاً کشورهای غرب) این استدلال



عکس، که در یکی از آخرین شماره‌های ماهنامه «رأی - Vote» به چاپ رسیده و مربوط به انتخابات شورای عالی شوروی در سال ۱۹۳۶ است، نشان می‌دهد که حزب کمونیست شوروی در یک حوزه رأی‌گیری دو نامزد معرفی کرده که یکی از آنها باید انتخاب شود و جمعیت، بدون قابل شدن تفاوت میان آن دو، عکس‌های بزرگ هر دو را بلند کرده‌اند و کار آنها فقط تشویق مردم به رأی دادن است، دیگر فرقی نمی‌کند که به کدامیک از این دو رأی بدهند. مردمی که در عکس دیده می‌شوند، عمدتاً اعضای حزب کمونیست هستند در آن زمان در شوروی فقط پنج درصد جمعیت عضو حزب بودند زیرا عضویت در حزب مستلزم طی مراحل مختلف و یک رشته آزمایش‌هایی بود.

در مقابل، کشورهای غربی روش کشورهای کمونیستی (یک حزبی) را محروم کردن مردم از فرصت انتخاب شدن می‌خوانند.

را رد می‌کنند و آن را مغایر آزادی نامزد شدن می‌دانند.